

چالش‌ها و بایسته‌ها (۴)

ضرورت نگاه نظام‌مند به الگوی شخصیتی زن مسلمان

فریبا علا سوند

مرحله چهارم و پنجم: لحاظ ظرفیت‌های تاریخی و اجتماعی و رسیدن به الگو

تا این مرحله ما بر محور ثبات حرکت کرده و به گزاره‌هایی دست یافتیم که به دلیل برخورداری از سرچشمه خطاپذیر وحی توانسته‌اند در طول تاریخ، انسان متدین را با باورهای ثابت بر صفحه وجود نگه دارند.

البته انسان اساساً توسعه‌پذیر و تغییرناپذیر است و حتی این تغییر را به خارج از خود نیز تسری می‌دهد و دنیای خارج را هم مدام دگرگون می‌سازد. این معنا از صراحت‌های قرآنی در مباحث اجتماعی به دست می‌آید مانند: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (۱)

بنابراین، عناصر ثبات در دین باید به نوعی عوامل و معلول‌های تغییر مرتبط باشند، در غیر این صورت همراهی تکوین و تشریح در وجود آدمی که مورد پذیرش همگان است، صحیح نخواهد بود. لذا آنچه باعث می‌شود از پژوهش قبل الگوی مطلوب استخراج شود، توجه به ظرفیت‌های زمانی و مکانی است. توجه به سنت و سیره معصومین (ع)، معلوم می‌کند که دخالت این شرایط نه بهانه‌ای برای دین‌گریزی، که الهام واضحی از همان منابع دینی. سعی وافر قرآن برای الگوسازی از پیامبر (ص) در همین راستاست. قرآن پیامبر (ص) را شخصیتی معرفی می‌کند که مثل مردم می‌خورد، می‌آشامد و در بین مردم و در بطن اجتماع حضور دارد. آیا همین شرایط و ظرفیت‌ها نیستند که ائمه (ع) را در اتخاذ موضع مناسب سیاسی متناسب با حکام وقت در شرایط متفاوت از یکدیگر قرار می‌داد؟ پس چه هراسی از این که در ارائه الگوی مناسب از زن مسلمان به این حقایق توجه داشته باشیم؛ به عنوان مثال، امروزه نمی‌توان از سطح ارتباطات مختلف موجود بین زنان و مردان که جزء غیر قابل انفکاک حضور اجتماعی زنان شده است، غفلت کرد و الگوی روابط ارائه نمود؛ ولی این بدان معنا نیست که ما باید الگو را به گونه‌ای طراحی کنیم که این ارتباطات را با خصوصیات موجود حتماً تأمین کند، بلکه شرایط موجود باید خود را با الگو منطبق سازند. به نظر ما شرایط زمانی و مکانی گاهی نسل‌هایی را درمی‌نوردد و در درازمدت

کمترین تغییر را دارند و گاهی به عکس، با سرعت تغییر می کنند که شاید در حال حاضر مقوله توسعه و صنعت ارتباطات در این تغییر بسیار مؤثرند. (۲)

مسئله اساسی حفظ و هویت صیانت انسانی است که محتاج برنامه ریزی صحیح فردی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است. در این صورت تمام تحقیقات فقهی، روانشناختی، جامعه شناسی، اقتصادی و ... با تعادلی درخور به راه حل هایی خواهند رسید که تجارب دینی - عقلانی را در یک جاگرد آورده و به بار بنشانند؛ به عنوان مثال؛ در چنین دیدگاه، مدیریت اجرایی کشور در زمینه اشتغال باید مشکل زن شاغلی را که دارای همسر و فرزندانست، حل کند و برای ارتباطات متعدد او (با خدا و مردم، خود) به تناسب سهمی که در زندگی دارد برنامه ریزی نماید. چنان که فقه کارآمد نیز باید مشکل حقوقی زنی را حل کند که هم بتواند همسر یا مادر نمونه ای باشد و هم در نظامات پیچیده اجتماعی و سیاسی وارد گردد و تکالیف چند جانبه خود را به انجام رساند (۳)

محور ششم و هفتم: مسئله شناسای و برنامه عمل

واضح است که الگو با حفظ ظرفیت ها در اوج نقطه مطلوب ایستاده است که به طور طبیعی، همواره شرایط بالفعل به گونه ای نیست که با یک چرخش ۱۸۰ درجه ای و وارد کردن یک شوک، وضعیت زنان را مورد دلخواه الگو قرار داد.

تمام اهرام های تقنینی، اجرایی و قضایی باید به کار گرفته شوند، فضا سازی لازم فرهنگی اعمال شود ... تا همه با تمام قوا بتوانند سنت های نهادینه شده در طول اعصار را به روش های صحیح مبدل نمایند.

صد البته اگر زمینه فرهنگی لازم در تمام اقشار جامعه برای پاسداشت مقام متعالی زن و ظرفیت های روحی، ذهنی و رفتاری او فراهم شود، گام بلندی برداشتیم و اگر در هر منصوب اجرایی و قانون گذاری کشور، حداقل مشاورینی از خود زنان حضور داشته باشند، گام دیگری به جلو رفته ایم؛ ولی در هر صورت این ها همه گامهای اول است.

چنان نیست که اگر بار فرهنگی جامعه تقویت شد به ایده آل و مطلوب برسیم؛ چرا که واقعیات ممکن است این زن با مرد معتادی ازدواج کند، همسر خود را از دست بدهد یا اصلاً ازدواج نکند و حمایت مالی و عاطفی والدین را هم از دست بدهد. هم چنین ممکن است مرد خانواده به هر دلیل صلاحیت قیومت خانواده را نداشته باشد. یا این زن با داشتن شغل از حقوق مساوی با مردان برخوردار نباشد و یا در یک ازدواج تحمیلی آرمانهایش را یک جاببازد.

ممکن است این زن به هر علت توانایی جسمی خود را گاهی با چند بچه از دست بدهد و یا به عکس ممکن است این زن توانایی اداره یک شهر را هم داشته باشد.

چه نهادی عهده دار حل این مشکل است؟ آیا همه این‌ها به ناکارآمدی فقه سنتی رجوع می‌کنند و این فقه را به هیچ ترفندی نمی‌توان کارآمد نمود؟ آیا واقعاً این‌ها همه در حوزه تجربیات عقلانی هستند که راه حل‌ها را هم باید از این حوزه دریافت نمود؟

باید دید چه نهاد یا تشکیلاتی را می‌توان برای شناسایی و رفع این مسائل در نظر گرفت.

پس بایستی با مطالعه عمیق از وضعیت موجود زنان (مسئله شناسی)، همه سرمایه‌ها در جهت ارتقای وضعیت موجود تا حد مطلوب (الگو) به کار گرفته شوند در صورت بهره‌گیری نظامند و بهینه از الگوها در تمام شریان‌های جامعه، می‌توان روزی را پیش بینی نمود که به تدریج و بدون کمترین تعارض، زنان جامعه به سمت کهربای الگو جذب شده‌اند. سیاست گذاری‌های لازم در این راستا، همان برنامه عمل است که ادارات ذی ربط با اتخاذ استراتژی واحد می‌توانند آن را اجرا نمایند و ضمن حل نمودن مسائل جامعه زنان و رساندن آن به سطح الگو، عملاً چراغ روشنی را در جلو دیدگان تمام زنان دنیا قرار داده و اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران در این نماد به نمایش بگذارند

بررسی تحلیلی الگوی فعالیت زنان در جهان معاصر

علیرضا پیروزمند

مقدمه

۱. ضرورت

مسائل زنان و کاستی‌ها و بایستی‌های مربوط به آن، از دیرباز جزء مسائل مهم جوامع مختلف، از جمله جامعه ایران بوده است. این امر در سالهای پس از انقلاب صنعتی و تحقق مدرنیته، در کلیه جوامع از امتیاز و ویژگی بیش‌تری برخوردار گشت، منتها در ایران، خصوصاً پس از انقلاب اسلامی، با تعریف صحیح از رسالت زنان در جامعه اسلامی و ایجاد بستر لازم برای مشارکت آنان در امر حکومت، اهمیت و حساسیت مضاعفی یافت. اکنون حدود نیمی از جمعیت فعال کشور را بانوان تشکیل می‌دهند. در صورتی که به گونه مناسب و بهینه از ظرفیت و استعداد این مجموعه عظیم انسانی استفاده شود، پتانسیل عظیمی برای باز کردن گره‌های ناگشوده جامعه قلمداد

می‌گردد. در مقابل، اگر این پتانسیل درست نگردد (به مسائل آنان پرداخته نشود و حقوق مشروع آنها به ایشان اعطا نگردد)، می‌تواند به صورت سد عظیمی در مقابل موج انقلاب قرار گیرد.

(۱۳) آیه ۱۱.

(۲) ر.ک: نقد سلسله مباحث اسلام و تجدید و نظام حقوق زن در اسلام و تجدید زندگی، ص ۷۹-۱۰۷.

(۳) بعضی از روشنفکران دینی تمام آنچه را مادر این محوریان داشتیم به گونه‌ای دیگر دیده و انطباق دین بر مقتضیات زمان و مکان و مسائل جاری به روشی دیگر تفسیر می‌نمایند.

از جمله آقای محمد مجتهد شبستری در نوع برداشت‌های خود از مقوله‌های دینی، حد وسط استدلال خود را دخالت دانش یا هرمنوتیک در فهم متون دینی قرار می‌دهند و طبعاً دامنه برداشت‌های هرمنوتیکی به مسائل زنان هم کشیده می‌شود.

در این رابطه هرگونه اعتقاد به وجود نظام ثابت و طبیعی برای خانواده مراد دود می‌دانند و معتقدند که در هر عصری می‌توان برای روابط زن و مرد نظامی متناسب با آن عصر ارائه داد؛ قرار نیست همواره خانواده هستی که رئیس آن مرد خانواده باشد، کلیشه ماژشکل خانواده قرار گیرد.

وی بانقد تفکر سنتی راجع به خانواده و بیان پیش فهم‌های آن مانند نظریه «ثبات انواع»، تلویحاً با استمداد از یک فرضیه غیر قابل اثبات، می‌پذیرند که جنس زن و مرد نه از روی یک تدبیر خلاق بلکه از روی تغییرات تاریخی به وجود آمده، لذا به دلیل می‌توان در آن آنچه نتیجه زن و مرد بودن است مثل نقش‌های جنسیتی تغییر ایجاد کرد. از این رو، آن چه باعث می‌شود مایک نظام ثابت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی را بپذیریم این است که نظام ثابت و طبیعی خانواده مراد اعلام شود و قهرآمی توان نظام‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و راهم پذیرفت.

به نظر می‌رسد در کلمات ایشان مغالطاتی وجود داشته باشد از جمله این که در این گفتمان در حالی که از تفکر فقیهان راجع به خانوادگی سؤال شده است پاسخ بر اساس تفکر سنتی در عهد قدیم و حتی اباطیل یونان تحریف شده دین یهود متمرکز است و به طور طبیعی خواننده گمان می‌کند که تفکر فقیهان یا آن تفکر قدیم که در دستی هم در هیئت بطلموسی! دارد هم محتوا و هم مسیر است.

یا آن که در ایشان نظام‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در تمام مراتب خود پزواک نظام طبیعی خانواده قلمداد شده است در حالی که وجود نظام ثابت برای خانواده به معنای ثبات نظام سیاسی در تمام شریان‌های خودش

و ثبات نظام اقتصادی در تمام شیوه‌ها و راهکارهایش نمی‌باشند. به هر تقدیر، بر اساس تفکر خود راه حلی که ارائه می‌دهند، اتخاذ یک دید تاریخی نسبت به مسائل زنان است؛ به این معنا که در یک رهیافت دینی باید دید که پیامبر (ص) در محور مسائل زنان دارای رویه «از ظلم به سمت عدل» بوده‌اند و مابین رویه راکه از برآیند تاریخ به دست می‌آوریم دنبال کنیم و لوم مقاصدی که برای ظلم می‌یابیم در آن عصر ظلم نبوده باشد، مثلاً در عصر پیامبر (ص) زنان در اقتصاد خانواده نقشی نداشتند و فقط مصرف کننده بودند، لذا قیومت خانواده با مرد بود ولی در حال حاضر برای زنی که شاغل است و نقش در بهبود اقتصاد خانواده دارد اعطای قیومت به مرد ظلم به زن است.

بر این اساس، حقوق و تکالیف در این نظریه سخت در شرایط زمانی و مکان شناورند و این یعنی حکومت این شرایط برالگو که به نظر مایک نگاه آنارشیستی به آن است مجموعه گفتمان در مجله زنان، سال هشتم، ش ۵۷، ص ۱۹-۲۲ چاپ شده است.